



جلوه‌هایی از اعجاز قرآن کریم

ترجمه: عبدالحمید عثمانی

دکتر جری میلری یکی از مبلغان بزرگ مسیحیت بود که با گرویدن به دین اسلام، از دعوت‌گران بزرگ اسلامی در کانادا شد. وی از مبشران فعال و پرتلاش در تبلیغ مسیحیت بود و بر کتاب مقدس (Bibel) اشراف زیادی داشت. از رشته‌های علمی بیشتر به ریاضیات علاقه داشت و به همین سبب از مسائل و قضایای منطقی لذت می‌برد. روزی به قصد اینکه تناقضاتی در قرآن پیدا کند و از این طریق موضع خویش را هنگام دعوت مسلمانان به مسیحیت تقویت نماید، به مطالعه و تحقیق در قرآن پرداخت.

او تصور می‌کرد که قرآن کتابی قدیمی است و از زندگی بدوی چهارده قرن پیش سخن می‌گوید. اما با مطالعه قرآن دچار حیرت و تعجب شد و متوجه شد که قرآن از معارف و مسائلی سخن می‌گوید که نظیر آن در هیچ کتابی یافت نمی‌شود.

او فکر می‌کرد که حوادث ناگوار زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم مانند درگذشت همسرش خدیجه یا درگذشت فرزندانش حتماً در قرآن آمده است، اما به چنین موردی در قرآن دست نیافت. ولی با شگفتی تمام به سوره بزرگی به نام حضرت مریم در قرآن برخورد که در آن از تجلیل و تکریم حضرت مریم سخن به میان آمده است، به گونه‌ای که در هیچ یک از اناجیل و کتاب‌های دینی مسیحیان مشابه آن یافت نمی‌شود. اما در مقابل با سوره‌ای به نام حضرت عایشه یا حضرت فاطمه برخورد. با مطالعه بیشتر متوجه شد که نام حضرت عیسی بیست و پنج مرتبه در قرآن تکرار شده است، در حالی که نام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فقط چهار مرتبه ذکر شده است.

دکتر میلر با دقت و کنجکاوی بیشتر به مطالعه ادامه داد تا شاید نکته‌ی ضعیفی پیدا کند، اما با آیه‌ای شگفت‌انگیز و مهم در سوره نساء مواجه شد: **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا** [آنساء: ۸۲]؛ آیا در قرآن تدبیر نمی‌نمایند اگر از جانب غیر خدایم بود حتماً در آن تناقضات زیادی می‌یافتند.

دکتر میلر می‌گوید: یکی از اصول علمی مطرح در جهان امروز اصل تشکیک و تناقض‌یابی (Falsification test) در تئوریه‌ها و نظریات است تا صحت و درستی آنها محک بخورد؛ عجیب اینجاست که قرآن کریم خود مسلمانان و غیر مسلمانان را به این امر فرامی‌خواند اما آنان تناقض و نکته‌تردیدی در آن نمی‌یابند.

او در ادامه می‌گوید: هیچ نویسنده‌ای در دنیا نیست که ادعا کند کتابهایی که تألیف کرده از سهو و اشتباه خالی هستند، اما قرآن علاوه بر داشتن این ادعا، از خوانندگان می‌خواهد تا قرآن را به قصد پیدا کردن خطا و تناقض مطالعه نمایند، اما کسی خطا و تناقض در آن پیدا نمی‌کند. یکی دیگر از آیاتی که مدتها ذهن و اندیشه دکتر میلر را به خود مشغول کرد، آیه ۳۰ سوره انبیاء بود، آنجا که خداوند می‌فرماید: **أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ**؛ آیا کافران نمی‌بینند که آسمانها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده‌ی عظیمی در گستره فضا، یکپارچه) بهم متصل بوده و سپس (بر اثر حرکات مد و مدول و انفجارات درونی هولناکی) آنها را از هم جدا ساخته‌ایم (و تدریجاً به صورت جهان کنونی درآورده‌ایم) و هر چیز زنده را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده‌ایم. آیا (در باره آفرینش کائنات نمی‌اندیشند و) ایمان نمی‌آورند؟



می نمود، جهت زیر سؤال رفتن پیامبر و دینش کافی بود، اما او هرگز چنین فرصتی نیافت. علتش آن بود که این سخن، سخن محمد صلی الله علیه وسلم نبود، بلکه سخن عالم الغیب بود و او تعالی می دانست که ابولهب به هیچ وجه مسلمان نمی شود.

ثانیاً اینکه، اگر منبع وحی نمی بود، پیامبر اسلام از کجای دانست که سر نوشت محتوم ابولهب این گونه خواهد بود؟ این اعتماد به نفس و مبارزه طلبی پیامبر بیانگر یک نکته است که قرآن کلام خداست.

دکتر میلر در باب اعجاز غیبی قرآن می گوید: یکی از معجزات غیبی قرآن سخن از اتفاقات آینده است. انسانی که تابع اصل تشکیک و تناقض یابی (Falsification) است، به هیچ وجه قادر به چنین ادعایی نیست.

به عنوان مثال ببینیم قرآن در موضوع رابطه مسلمانان با یهود و نصاری چه می گوید!

در قرآن آمده است: یهود سرسختترین دشمنان مسلمانان و مؤمنان هستند. این دشمنی تا امروز نیز وجود دارد.

دکتر میلر در این مورد می گوید: این یک مبارزه طلبی بزرگ است. به تصریح قرآن، یهود برای نابودی اسلام فرصت کافی در اختیار دارند. آنها با چند سال روابط حسنه با مسلمانان می توانستند بگویند که بر خورد ما با شما خیلی خوب است، اما کتاب شما ما را دشمنان سرسخت شما معرفی کرده است. پس معلوم می شود که قرآن شما مشتعل بر خطا و تناقض است. اما اکنون ۱۴۰۰ سال است که چنین چیزی انجام نگرفته است و انجام نخواهد گرفت. زیرا قرآن کلام ذاتی است که از غیب سخن می گوید.

وی ادامه می دهد: آیا تا به حال متوجه شده اید که در این آیه یک مبارزه طلبی عقلانی نیز وجود دارد. "لتجدن أشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود والذين أشركوا ولتجدن أقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا إنا نصاري، ذلك بأن منهم قسيسين و رهبانا و أنهم لا يستكبرون و إذا سئموا ما أتوا الى الرسول تری أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فاكبتنا مع المشاهدين و ما لنا لنؤمن بالله و ما جاءنا من الحق و نطمع أن يدخلنا ربنا مع القوم الصالحين آمانه: ۸۲-۸۴)؛ (ای پیغمبر!) خواهی دید که سرسخت ترین دشمنان برای مؤمنان، یهودیان و مشرکانند، و خواهی که مهربان ترین مردم برای مؤمنان کسانیند که خود را مسیحی می نامند. این بدان خاطر است که در میان مسیحیان، کشیشان و راهبان هستند که تکبر نمی ورزند. و آنان هر زمان بشنوند چیزهایی را که بر پیغمبر نازل شده است، بر اثر شناخت حق و دریافت حقیقت، چشمانشان را می بینی که پر از اشک (شوق) می گردد (و زبانشان به دعا باز می شود و) می گویند: پروردگارا! (به تو و پیغمبران تو و همه کتابهای آسمانی و بدین آیات قرآنی) ایمان داریم (ایمان ما را بپذیر و) ما را از زمره امت محمدی (که) گواهان (بر مردم در روز رست خیزند) بشمار آور.

این آیه بر دکتر میلر، به عنوان یک کشیش و نادیشمند مسیحی،

وی می گوید: این آیه دقیقاً از نظریه علمی ای سخن گفته است که در سال ۱۹۷۳م. جایزه نوبل به آن اختصاص یافت؛ نظریه ای که نظام فعلی کائنات و آسمان و زمین و سیارات را نتیجه انفجاری بزرگ می داند. رتق به چیز پیوسته و متماسک، و فتق به چیز پراکنده و از هم جدا گفته می شود - سبحان الله -

دکتر میلر ادامه می دهد: مخالفین پیامبر ادعا داشتند که شیطان در نزول قرآن دست داشته است؛ اما قرآن می گوید: "و ما تنزلت به الشياطين. و ما ينبغي لهم و ما يستطيعون. انهم عن السمع لمعزولون آشعراء ۲۱۰-۲۱۲)؛ این قرآن را شیاطین فرو نیاورده اند (و بلکه جبرئیل آن را فرو آورده است). (اصلاً این کار) ایشان را نسزد، و توانایی (چنین کاری را) ندارند. قطعاً ایشان از گوش فرادادن (به فرشتگان و دریافت پیام آسمانی از ایشان) محروم و برکنارند.

"فاذا قرأت القرآن فاستمع بالله من الشيطان الرجيم [نحل: ۹۸]؛ هر گاه خواستی قرآن بخوانی، از وسوسه های شیطان مژود به خدا پنا ببر.

آیا شیطان اینگونه کتاب می نویسد؟! اگر شیطان کتابی بنویسد می گوید قبل از شروع به خواندن آن از وجود من به خدا پنا بپذیرید؟! یقیناً این آیات از شگفتیها و اعجاز قرآن است.

یکی دیگر از مواردی که باعث شگفتی ایشان شده و وی آن را از معجزات قرآن می داند، چگونگی تعامل پیامبر با ابولهب است. دکتر میلر می گوید: ابولهب فردی بود که شدیداً از اسلام تفر داشت و همواره در تعقیب پیامبر بود. هر جا پیامبر می رفت و با کسی ملاقات می کرد، ابولهب خودش را به انجامی رساند و جهت ختنی کردن دعوت پیامبر می گفت: سخنان این مرد را قبول نکنید. او شمارا از راه به بیراهه می برد. و به هر صورت ممکن سعی می کرد در سخنان پیامبر اسلام ایجاد شک و تردید کند. در ضمن از هیچ کاری برای از ابرسانی به پیامبر دریغ نمی کرد.

ده سال قبل از وفات ابولهب سوره "مسد" نازل شد: "تبت يدا ابي لهب و تب. ما أغنى عنه ماله و ما كسب. سيصلى ناراً ذات لهب. و امرأته حمالة الحطب. في جيدها حبل من مسد." این سوره تصریح داشت که ابولهب جهنمی است و اسلام را نمی پذیرد. برای تردید در سخنان پیامبر، کافی بود ابولهب در طول این ۱۰ سال یکبار جلو مردم عناً علام کند که ای مردم! محمد می گوید من جهنمی هستم و اسلام را نمی پذیرم، اما شما گواه باشید که من اسلام می آورم و مسلمان می شوم و بر خلاف آنچه محمد گفته جهنمی نخواهم بود! پس آیا محمد در سخنانش صادق است؟ و آیا آنچه بر محمد نازل می شود وحی الهی است؟

آنچه موجب شگفتی دکتر میلر شده این است که با نزول این سوره گویا پیامبر به ابولهب می گوید: تو از من متفر هستی و از من می خیزی که از دعوت به دست بکشم. مشکلی نیست. فرصت کافی در اختیار داری.

ابولهب ده سال کامل وقت داشت. گر یک دقیقه تظاهر به اسلام

تأثیر عمیقی گذاشت و او را به فکر واداشت و برای پذیرش دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین پیام الهی برای هدایت جامعه بشری آماده کرد.

دکتر میلر درباره شیوه منحصر به فرد دیگری از اعجاز قرآن که موجب تأثر و حیرت وی شده است، می گوید: در قرآن شیوه خاصی وجود دارد که در کتابهای دیگر نظیر آن یافت نمی شود. قرآن هر گاه معلومات خاص و جدیدی را به مخاطبش ارائه می کند به وی خاطر نشان می کند که این معلومات را از قبل نمی دانسته است: "ذالک من انباء الغیب نو حیه الیک و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ینکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون آل عمران: ۴۴؛ این (چیزهایی که گفته شد) از جمله خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می کنیم، و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی به درون اب) می افکندند تا (روشن شود) کدامیک سرپرستی مریم را بر عهده گیرد، و بدان هنگام که میان خود (بر سر سرپرستی او) کشمکش داشتند حضور نداشتی (و همه اینها از راه وحی به تو می رسد).

تلك من انباء الغیب نو حیها الیک ما کنت تعلمها انت و لا قومک من قبل هذا، فاصبر ان العاقبة للمتقین [هود: ۴۹]؛ این (قصه و داستانهای ملتهای پیشینی که تو آنان را ندیده ای) جز و اخبار غیب است که آن را به تو (ای پیغمبر اسلام!) وحی می کنیم. نه تو و نه قوم تو پیش از این، آن را نمی دانستید. پس (در برابر آزار و ذیت قوم خود) صبر کن که سرانجام از آن پر هیز کاران است.
ذالک من انباء الغیب نو حیه الیک و ما کنت لدیهم اذ اجمعوا امرهم

و هم یمکرون [یوسف: ۱۰۲]؛ (ای پیغمبر اسلام!) این (داستانی را که بر تو خواندیم) از اخبار غیب است که به تو وحی می نمایم. تو نزد آنان (یعنی پسران یعقوب) نبودی آنگاه که تصمیم گرفتند و نیرنگ نمودند (و بر ضد یوسف نقشه کشیدند).

دکتر میلر می افزاید: هیچ کتابی از کتابهای آسمانی اینگونه با مخاطبین و خوانندگانش سخن نمی گوید. اغلب کتابهای آسمانی مجموعه ای از معلومات را در بر دارند و مخاطب خود را برای آگاهی بیشتر به مراجع دیگری حواله می دهند. به عنوان مثال انجیل تحریف شده، بعد از بحث از حکایات و سرگذشت پیشینیان همواره مخاطب را جهت اطلاعات بیشتر به کتابهای دیگری حواله می دهد. اما قرآن هر گاه معلوماتی را در اختیار مخاطبش قرار می دهد، تصریح می کند که این نکته تازه و خبری از غیب است و اگر کسی باور ندارد می تواند در مورد آن تحقیق نماید.

حیرت آور، موضعگیری اهل مکه است؛ هر گاه قرآن آنها را به مبارزه می طلبد و ادعا می نماید که اینها اطلاعات جدیدی است که قبل از این نه محمد از آن اطلاع داشته و نه قوش و در موارد متعدد این ادعا را تکرار می کند، یک مرتبه هم ثابت نشده است که اهل مکه قد علم نمایند و بگویند که این مطالب را ما از قبل می دانستیم. یا اینکه ما می دانیم محمد آن را از کجا آورده است. زیرا معلومات قرآن برای آنها نیز تازگی داشت، و بدیهی است که بجز ذات اقدس باری تعالی هیچ احدی توان چنین احاطه ای بر اتفاقات گذشته و حال و آینده را نداشت و قرآن کلام او تعالی است که بر پیامبرش نازل شده است.

داستان اسلام آوردن شهیره صلاح الدین از مصر

ترجمه: شفیق شمس

باورهای دینی باقیمانده اصلاً فکر نمی کردم که روزی مسلمان خواهم شد. پدرم حسابی من را شستشوی مغزی کرده بود و چون در مدرسه فرانسوی ها درس می خواندم هرگز با دین اسلام چه به طور مستقیم و چه از طریق کتب درسی در تماس نبودم. قلباً نیز از اسلام متنفر بودم و دین اسلام را دینی غیر انسانی و خشن تصور می کردم که توسط یکی از اعراب در جزیره العرب پایه گذاری شده است و گمان می کردم که چنین دینی نمی تواند دینی آسمانی باشد.

جرقه ای در تاریکی

چند تا دوست مسلمان داشتم. در جشن عروسی یکی از دوستان مسلمانم به طور اتفاقی با پسر جوان مسلمانی آشنا شدم. او نشان

اشاره: شهیره صلاح الدین دختری مصری است که قبلاً پیرو دین مسیحیت بوده است. او مسیحیت را از آبا و اجدادش به ارث برده بود و دختری پای بند به باورهایش بود. ولی او اکنون به یک زن دعوتگر مسلمان تبدیل شده است. مراسم منطقه او را به خوبی می شناسند. در زمینه دعوت به اسلام و کارهای خیر همیشه پیشگام است به طوری که زیارتزد خاص و عام است...

دوران کودکی

من در خانواده ای ثروتمند به دنیا آمدم. پدرم کشیش و عموهام همگی از تجار معروف شهر هستند. در زندگی هیچ گاه کمبودی نداشتم و در بهترین مدارس شهر درس خواندم. پدرم مرا برای رفتن به کلیسا تشویق می کرد و همواره از من می خواست که پایبند به